

مهدی رحمانی؛ کارگردان فیلم «کارت پرواز» در گفت‌وگو با «صبا»:

# دغدغه‌ام مسائل اجتماعی است

دلرام صادقی  
گفت‌وگو

سینمای هنر و تجربه مخاطبان خاص خود را در این سال‌های اخیر پیدا کرده است، مخاطبانی که برای فرار از فیلم‌های گیشه‌ای و سطحی به این فیلم‌ها روی می‌آورند. «کارت پرواز» عنوان آخرین فیلم مهدی رحمانی است و این روزها بر پرده سینمای هنر و تجربه اکران می‌شود. رحمانی از آن دسته کارگردانانی است که دنبال به تصویر کشیدن معضلات اجتماعی است و این بار به سراغ سوژه‌ای خاص رفته است. «کارت پرواز» داستان «ندا» با بازی «تداجبرائیلی» است که بنا بر مشکلاتی که دارد سراغ بلعیدن مواد مخدر و ترانزیت آن می‌رود. گفت‌وگویی با مهدی رحمانی درباره «کارت پرواز» داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

در فیلم «کارت پرواز» کاراکتر «ندا» در گیر و دار مسئله حضانت و دوری از فرزند است، این موضوع در خیلی از فیلم‌های دیگر نیز مطرح بوده است؛ چرا این گره را برای «ندا» در «کارت پرواز» طرح کردید؟

حضانت فرزند، مسئله مهم، جدی و گسترده‌ای در جامعه ماست و با این که فیلم‌های دیگری نیز به این موضوع پرداخته‌اند، اما مسئله حضانت که درباره زنان و جامعه زنان کشور ما وجود دارد هنوز جای پرداخته شدن دارد. در طول تحقیقاتم درباره این مسئله به چندین نفر برخورد کردم؛ مسئله‌ای که به بحث حضانت فرزندانشان می‌رسید و چون کفایت مالی نداشتند، نمی‌توانستند حضانت فرزند خود را بگیرند. به نظر من این قضیه آنقدر مهم بود که پرداخته شود و نیاز پرداختن به آن را می‌دیدم.

شما علاوه بر کارگردانی، به همراه امیر عربی و بابک میرزاخانی یکی از نویسندگان «کارت پرواز» بودید؛ این ایده که خانمی تجارت مواد مخدر بکند، از کجا شکل گرفت؟ زمانی که ایده حمل مواد که بالای خانمان سوز است، در جلسه مواد مخدر سوژه اصلی ساخت «کارت پرواز» قرار گرفت، تحقیقات میدانی را شروع کردیم و به سراغ گفت‌وگو با این افراد و استفاده از آمارها رفتیم. بیشترین قربانیان این تجارت، خانم‌ها و کودکان هستند. به همین دلیل باید این اتفاق می‌افتاد و به مسئله زنان که بخش اصلی این تجارت هستند پرداخته می‌شد. همه این موارد انگیزه‌های بود تا کاراکتر «ندا» به وجود بیاید.

فیلم پایانی تلخ دارد؛ درباره پایان‌بندی فیلم توضیحی بفرمایید.

در واقعیت هم تجارت مواد مخدر پایان خوبی ندارد و سرنوشتی غیر از این، برای فیلم و کاراکتر نمی‌توانست اتفاق بیفتد.

«کارت پرواز» بعد از سه سال اکران خود را در هنر و تجربه آغاز کرده است؛ دلیل این توقف چه بود؟ و چرا در اکران عمومی نمایش داده نشد؟

بخشی از آن به دلیل مضمون فیلم بود که شاید برای اکران عمومی به صلاح نبود. اکران در هنر و تجربه برای فیلم‌های جدی که مضامینی تلخ دارند، مناسب‌تر است. برای اکران در هنر و تجربه با توجه به مسئله فیلم، این انتخابی بود که خودمان تصمیم گرفتیم چون احساس کردیم تکلیف‌مان با مخاطب روشن‌تر است و می‌توانیم با طیف گسترده‌تر و

انتخاب‌شده‌تری از مخاطب به‌لحاظ زمان و رویکردی که تماشاگر عقیده‌اش را دارد، روبه‌رو شویم.

به‌عنوان کارگردان اثر، به نظر شما مهم‌ترین ویژگی یا پیامی که «کارت پرواز» به بیننده منتقل می‌کند، چیست؟

مسئله‌ای که بیان می‌کند به‌روز، گسترده و یک بحران اجتماعی است که در اثر تأثیرات اقتصادی بدی که در جامعه امروزی وجود دارد، شکل گرفته است و این بحران اقتصادی گریبان‌گیر مردم است. این فیلم، پروژه‌ای است که از طرف خیلی از جوان‌ها و بخش وسیعی از جامعه می‌تواند باشد که درباره این موضوع در فیلم گفت‌وگو، روشنگری و یا اطلاع‌رسانی می‌شود و هدف ما هم همین بوده است.

در «کارت پرواز» از بازیگرهای چهره استفاده نکرده‌اید، در این شرایط اکران چقدر گیشه برای شما و فیلم تضمین شده است؟

من اول از همه به خود فیلم و درستی آن و بعد به گیشه فکر می‌کنم. نکته‌ای که برایم اهمیت داشت این بود که در فیلم از بازیگرهای غیرچهره استفاده کنم به‌خاطر این که مستندگونه باشد و مردم بتوانند با کاراکترهای فیلم ارتباط برقرار کنند. در واقع برخی مواقع که از چهره استفاده کنیم، کار را به سمت فضایی فیلم‌گونه می‌برد و فاصله‌ای بین مخاطب و فیلم ایجاد می‌کند. علت اصلی استفاده از کاراکترهایی که کمتر دیده شده‌اند این بود که فاصله بین مخاطب و فیلم برداشته شود.

خیلی از فیلمسازها به سمت ساخت فیلم‌های آپارتمانی رفته‌اند اما «کارت پرواز» تعدد لوکشین دارد، این موضوع کار را برای شما و دیگر عوامل فیلم سخت نمی‌کرد؟

در کل فیلمسازی کار سختی است و ما نمی‌توانیم در فیلمسازی به دنبال شرایط آسان باشیم و این شدنی نیست. هر فیلمی که قصه و موضوعش اقتضا کند باید کارگردان این امکان را فراهم کند ولو این که همان طور که شما می‌گویید سخت باشد، اما فیلم ساختن برای رسیدن به محصولی که مخاطب بتواند اثر را درک کند و برایش قابل فهم باشد نیز سختی خودش را دارد، به هر حال سینما پدیده سختی است.

در فیلم‌هایی که تا به حال ساخته‌اید همواره به دنبال مطرح کردن موضوعی اجتماعی بوده‌اید؛ «کارت پرواز» چقدر به دغدغه فیلمسازی و هدف‌تان شبیه است؟

فیلمی که دغدغه‌ام نباشد و هیجانی برای ساختنش نداشته باشم، آن فیلم را نمی‌سازم. پس حتما در فیلمی که کار می‌کنم باید یک طرفش اجتماع باشد. من براساس فهم

و برداشت و ذهنیت در جامعه‌ای زندگی می‌کنم که فیلم می‌سازم. اساساً اگر به‌عنوان یک فیلمساز بخواهم مسئله‌ای را مطرح کنم که مسئله جامعه من نیست و کارکردی برای جامعه‌ام ندارد که به‌عنوان سرگرمی باشد، کار نمی‌کنم. بنابراین «کارت پرواز» برای من یک نقطه حساب‌شده‌ای از آن رویکردی که به یک جامعه و محله زندگی ایده‌آلم دارم و موضوعی که مطرح می‌کنم برای به فکر انداختن کسانی است که باید فکر کنند و برای معضلات تصمیم‌گیری کنند.

تصمیم دارید کار در ژانر اجتماعی را ادامه دهید یا به فکر تجربه ژانرهای دیگر نیز هستید؟

در مسیر فیلمسازی‌ام رویکردم همواره در مسیر اجتماعی بوده مگر زمانی که فکر کنم باید نگرش‌م را تغییر دهم یا به نکات دیگری تمرکز کنم، اما تا این لحظه که دارم با شما صحبت می‌کنم همچنان دغدغه‌ام مسائل اجتماعی است.

اگر نکته آخری مانده، بفرمایید؟  
«کارت پرواز» فارغ از ارزش‌هایی که خود فیلم می‌تواند داشته باشد یا نداشته باشد، به نظر من فیلمی است که به‌خاطر موضوعش و جامعه هدفش باید توسط مخاطب دیده شود و امیدوارم که رسانه‌ها همین‌طور که در حال حاضر کمک می‌کنند، برای آگاه کردن مخاطب و دعوت به تماشا همکاری کنند و کمک بیشتری شود تا طیف مخاطبان بیشتری فیلم را ببینند.

